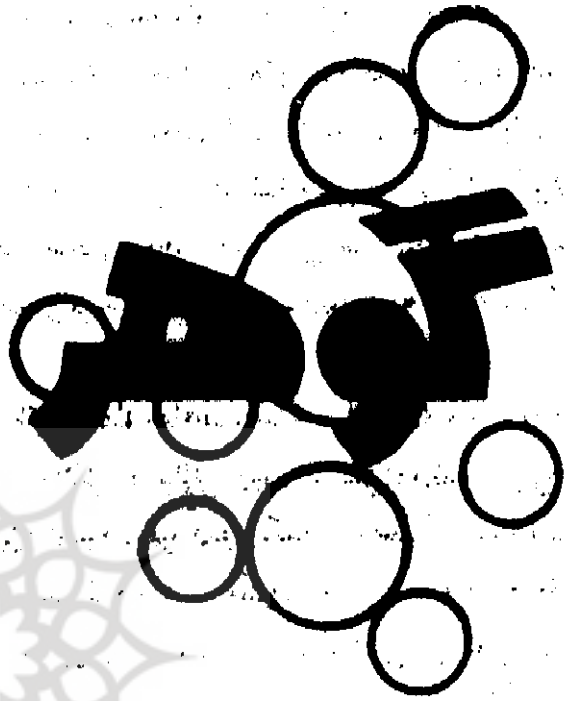


مذال اول - شماره ۱۱ - ۱۲ آذر و دی ماه ۱۳۵۲



فہضت عظیم ترجمہ

سازمان ترجمہ کشور جامع علوم انسانی

۴

ترجمان حق ندارد در ترجمه خود، اسلوب نگارش و طرز بیان و شیوہ معمول و سابقہ و ذوق شخصی خود را بکار برد بلکه باید در تمام این موارد مطیع و دنباله‌رو و فرمانبردار و تابع نویسنده یا گویندہ اصلی باشد تا خوانندگان بدانند صاحب اثر چه بوده و چه گفته و در حین تفہن و نوشتن چه حالی و وضعی داشته است.

چندین سال پیش بہ عنوان رسمی دولت آمریکا، در مصاحبت دوست ارجمندم دکتر

منوچهر اقبال رئیس وقت دانشگاه و با تعلق رفیق ضعیف مهندس عبدالله ریاضی رئیس آن زمان دانشکده فنی، از کشور پهناور آمریکا دیدن کردم و ایاتهای گوناگون را، بگونه‌ای که از آن بهتر متصور نیستم، دیدم. در نیویورک، روزی بدیدن قسمتهای مختلف سازمان ملل متحد گذشت. در آنجا روش کار ترجمانان، که بیشتر زنان یا دوشیزگان بودند و از مدرسه‌های عالی ترجمه ژنو یا آموزشگاههای معروف دیگر گواهی فراغ از تحصیل در دست داشتند توجه ما را جلب کرد.

این ترجمانان، هر يك در اطاقکی در بسته نشسته‌اند و سخنرانی‌های نمایندگان ملل و نحل مخالف را، فی المجلس و با شتاب و بی‌کم و بیش و بنحوی تحسین آمیز و اعجاب انگیز، بزبانهای رسمی و مجاز در سازمان، ترجمه میکنند و نمایندگان و حاضران در جلسه‌هایی که گوش می‌دهند، گوش دارند، در همان موقع که نماینده‌ای سخن میراند، سخن او را، از زبان ترجمانان، کلمه به کلمه و جمله به جمله، بی کوچکترین تغییر و طابق النعل بالنعل، بزبانهای رسمی سازمان، که البته دست کم یکی از آنها رامیدانند، گوش میکنند.

با توجه باین نکته مهم که سخنرانیها و نظایر آنها هم جنبه سیاسی دارد و از طرف مقامات رسمی و مسؤول مملکتها و دولتها، با کمال دانائی و بینائی و دوراندیشی و مصلحت بینی و احتیاط و با در نظر گرفتن هزاران نکته دقیق و عمیق، تهیه و بر هر کلمه و جمله آن حسابها شده است و دور نیست که بعضی از آنها، بمفهوم سیاسی، «چندپهلوی» باشد، می توان با اهمیت صحت و دقت این ترجمه‌ها پی برد، زیرا اگر کلمه‌ئی یا عبارتی یا تعبیری، در نتیجه تسامح و شتابزدگی و بی دقتی، درست ترجمه نشود یا معنی و مفهوم مخالف از آن بدست آید، موجب صدها گله و شکایت یا مناقشه و منافسه و یا حتی اعتراض و اختلاف خواهد شد و بسا که حوادث نامطلوب سیاسی پیش آورد. بما گفتند، این ترجمانان در کار خود بدان حد دقیق و سریع و آزموده و ورزیده و دانا و بینا و نکته‌دان و محتاط هستند که محال است در ترجمه خطا کنند و کلمه‌ای را از سیاق کلام بیفکنند و یا بگونه‌ای نادرخورد بترجمه در آورند و حتی تمام زیر و بم آهنگ سخنران و تغییرات احوال او را، بهنگام سخنرانی، از وجد و شمع یا نأسف و تألم یا خشم و غضب یا سکون و آرامش یا اضطراب و تشویش یا استنهام و تعجب و یا تکرار و تأکید، تقلید میکنند و گاه اتفاق افتاده است بهنگامیکه سخنرانی، از شدت غضب، خشمگین شده و با فریاد بروی میز برابر خود کوبیده است، بعضی از این ترجمانان نیز، در اطاقک در بسته خود، (البته بی آنکه سخنران را به بینند و تنها آواز او را می شنوند) بیخودانه فریاد کشیده و بروی میز خود کوفته‌اند. در اینجاست که سخن ما راست و درست در می‌آید، آنجا که گفتیم، ترجمانان باید، بهنگام ترجمه، خویشتن را، یکباره، فراموش کنند و در جلد سخنران فروروند تا ترجمه آنان «کامل‌العیار» باشد.

من خود فزون از سی سال استاد دانشکده پزشکی و داروسازی و دندانپزشکی دانشگاه تهران بودم و بسالیان دراز در انجمن عالی تألیف و ترجمه دانشگاه عضویت و چندی نیز ریاست

داشتم، بنابراین بکلیه تألیفات و رسالاتی که از طرف دانشکده‌های مختلف پزشکی و داروسازی و دندانپزشکی و فنی و علوم و حقوق و اقتصاد و ادبیات و الهیات و هنرهای زیبا، برای تصویب و طبع و نشر، باین انجمن پیشنهاد و ارسال میشد از نزدیک آشنا هستم. بعلاوه بساقتضای مناصب و مقاماتی که داشتم، باغلب نوشته‌های علمی و ادبی و قوف کامل یافته‌ام. اینک باید اعتراف کنم که این نوشته‌ها بطور بسیار بسیارشاذ و نادر جنبه تصنیف جامع یا تألیف کامل دارد بلکه ۹۹٪ آنها ترجمه‌هایی است در درجات مختلف «خوب» و «متوسط» و اکثر «بد» و بطور کلی خواننده و محقق که در زمینه‌های مختلف بتحقیق یا تحریر یا تقریر مشغول است نمیتواند، باخیال آسوده و راحت و بی‌دغدغه و وسواس، بآن ترجمه‌ها استنادجوید، و برای حصول اطمینان ناگزیر است که باصل کتاب‌ها رجوع کند و جای شگفت نیست که پس از رجوع، دراغلب موارد، درمی‌یابد که مترجم و مترجم‌عنه با هم تطابق ندارد و ترجمان درفهم یا بیان مطلب دستخوش سهو و خطای فراوان شده است. پس این نکته یادکردنی است که ترجمه فن است آن‌هم فنی بسیار دشوار و باید آنرا، مانند دیگر فنون، آموخت و درآن سالیان دراز تمرین و ممارست کرد تا مهارت و چیره‌دستی یافت و اعتماد و اطمینان و وثوق دانشوران و پژوهندگان را بصحت و دقت ترجمه جلب و معطوف داشت.

شک نیست بااین تعریف و توصیف وحد و حصر و قید و شرط که درباب «ترجمه خوب» و «ترجمان خوب» ذکر شد، شماره ترجمه‌ها و ترجمانان خوب و واجد شرایط فراوان نیست و کم است. ولی البته نه بآن کمی که در یکی از برنامه‌های تلویزیون عنوان شد و شی، برسبیل تصادف، شنیدم گوینده‌ای، عده ترجمانان خوب معاصر را از شمار انگشتان یکدست خود کمتر میدانست و در آن عده هم، نام کسانی را برد که اغلب بر بنده نگارنده مجهول بودند و بعد هم از دیگران شنیدم که بامن هم عقیده بودند و برگوینده خرده میگرفتند که از منهج عدالت و نصفیت بیرون شده است. در ایران، ترجمانان شایسته و ورزیده کم نبوده نیستند که در چند زبان دست داشته‌دارند. ترجمانان پارسی‌زبان، بزبان عربی و ترکی و فرانسه و روسی و آلمانی و انگلیسی آشنائی دارند. لکن متأسفانه کارشان منحصر بترجمه نبود و نیست. بلکه برای تحصیل معاش ناگزیرند بکارهای مختلف دست یازند و شغل‌های گوناگون را برعهده گیرند. بنابراین سهام افکارشان همیشه متشتت و متفرق است و بقول معروف، حواسشان جمع نیست. بنابراین نمیتوانند، در نتیجه تمرین و ممارست که یکی از شرایط در بایست کمال یافتن در هر فن است، در فن ترجمه کمال یابند. در صورتیکه اگر کارشان، از بام تا شام، فقط ترجمه باشد و معاششان از این امر تأمین شود، لاجرم ترجمانانی شایسته و بایسته از آب بدر آیند و روز بروز بسوی کمال خویش نزدیکتر شوند.

کار تمام وقت

مصدیان مسؤول و ترجمانانی که در سازمان ترجمه کشور مشغولند باید بطور تمام وقت

کارکنند و کارشان منحصر و محدود به ترجمه باشد و بهر وجه منالوجه اجازه نداشته باشند که بشغل موظف یا غیرموظف دیگر بپردازند. ترجمان بهنگامی که شش دانگ فکر و حواسش درگرو امری خاص باشد، همین حصر و قید، بنفسه، او را قادر خواهد کرد که کار را با دقت و طمأنینه انجام دهد و همانگونه که اشاره شد، در نتیجه استقامت و استقامت درکار، دقائق فن او را «ملکه» شود و نوعی تخصص حاصل کند.

در اینصورت و حال باید باین افراد حقوق بعدی کافی داد و آینده زندگانی خود و خانواده‌شان را، بنحوی شایسته، تأمین کرد تا تفرق خیال و تشتت بال نداشته باشند و بقول شیخ اجل: چون شب عقد نماز در بندند در اندیشه این نباشند که بامداد فرزندان‌شان چه خورند.

دستگاه تصحیح و تنقیح

چون در هر کار باید واقع بین بود و آنچه هست اندیشید، نه آنچه باید باشد، بنابراین، باوضع فعلی، باید در جنب و کنار سازمان ترجمه، یک دستگاه تصحیح و تنقیح، از گروهی افراد صالح، بکار مشغول باشد. کسانی که زبان پارسی را از جنبه صرف و نحو و معانی و بیان نیکو بدانند و در امر تصحیح و تنقیح ورزیده و آزموده باشند.

اغلب متخصصان رشته‌های مختلف علوم زمان ما، در زبان خارجی ماهرند و شاید بعضی از آنان هم طراز ترجمانان قدیم باشند که در زبان عربی مهارت داشتند ولی متأسفانه در زبان پارسی وارد نیستند و اصول دستور زبان پارسی را خوب نمیدانند. بنابراین اگر هم جان مطلب را دریابند و ترجمه کنند، بطور قطع ترجمه آنان، از لحاظ قواعد زبان پارسی، درست نیست و این بلایی است عظیم که در دانشگاه‌های ما بطور نمایان بچشم می‌خورد.

اغلب کتابهای علمی و فنی و تخصصی که بوسیله استادان دانشگاه‌ها ترجمه شده و میشود، بهمین نقص عظیم دچار است، یعنی پارسی آن درست نیست و حتی گاه برآستی اسفناک و خنده آور است و اذ همین جاست که خرده گیران و عیبجویان بر دانشگاه تاخته‌اند و می‌تازند و حق با آنان است. زیرا آنچه بعنوان تألیف، با گرفتن حق الزحمه، چاپ و نشر میشود، ترجمه‌هایی است ناقص و ابر و نامفهوم که با هیچ قاعده‌ای از قواعد زبان پارسی تطبیق نمیکند... اصلاح این وضع ناخوش از دسترس امکان بدور است. زیرا اغلب مؤلفان، زبان فرانسه یا انگلیسی یا آلمانی یا روسی را خوب میدانند و در آن نمیتوان شك کرد و مطالب را هم در آن زبان میخوانند و خوب درمی‌یابند و مشکلی برایشان در میان نیست، ولی همینکه میخواهند آنها را بزبان پارسی برگردانند و به تحریر یا تقریر دریاورند، چون در این زبان وارد نیستند و برآموز و دقائق صرف و نحو و معانی و بیان آن وقوف ندارند، کارشان خراب و نقششان بر آب است.

همانگونه که یاد شد، تنها چاره این درد شاید این باشد که گروهی از ادیبان و زبان‌دانان

موظف، در کنار سازمان ترجمه، بنصحیح و تنقیح نوشته‌های این ترجمانان همت بگمارند و این منقصد را از میان بردارند و با تشریک مساعی و تعاطی افکار و مذاکره با خود ترجمانان، تراجمشان را بزبان پارسی سلیس و روان و همه‌فهم درآورند.

درموقعی که نگارنده عضو و رئیس انجمن عالی ترجمه و تألیف دانشگاه بودم، چون درهرجلسه باین‌گونه ترجمه‌های عجیب و غریب و نامفهوم و بعضی اوقات مضحك برخورد میشد، که ازدانشکده‌های مختلف برای تصویب و طبع و نشر بانجمن پیشنهاد کرده بودند، پیشنهاد کردم چند مصحح و منقح استخدام شوند که کارشان پارسی درست درآوردن این ترجمه‌ها باشد. آقای رئیس دانشگاه وقت، این پیشنهاد را پسندیدند و بودجه‌ای دراختیار آقای رئیس انتشارات دانشگاه قراردادند. یقین دارم کتابهایی که پس ازاین تصمیم، از طرف دانشگاه چاپ و نشر شده است، با کتابهایی که پیش ازاین تصمیم انتشار یافته است، از لحاظ زبان پارسی، فرق عمده دارد.

نکته قابل تعجب و تأسف آنست که بعضی از استادان یا دانشیاران درموقع تصحیح و تنقیح کتابهایشان، درباره تغییر بعضی از عبارات یا کلمات یا مصطلحات، اعتراض داشتند و لجاجت و سماجت بخرج میدادند و عقیده داشتند آنچه را که نوشته‌اند درست است و باصلاح و تغییر احتیاج ندارد و در برابر استدلال مصححان بی‌پروا میگفتند: «این کتاب علمی و فنی است نه ادبی!» و غافل از آن بودند که کتابهای علمی و فنی که بزبان خارجی نوشته شده است و خودشان نیز از آنها ترجمه کرده‌اند، از لحاظ اصول صرف و نحو و معانی و بیان زبان مربوط، کامل و بسی‌عیب و نقس است و بعضی از آنها حتی از لحاظ فصاحت و بلاغت از کتابهای ادبی چیزی کم ندارد.

خوب بیاد دارم، درموقع تحصیل علم طب، هر موقع کتاب درسی پروفیسور «فرگ» جراح معروف و متخصص در بیماریهای زنان را میخواندیم از عبارات فصیح و بلیغ آن لذت میبردیم و چنان بود که یکی از شاهکارهای معروف ادیبان و نویسندگان قرون هیجدهم و نوزدهم فرانسه را میخوانیم.

کتابهای ممتاز و ممتع که از عالمان و حکیمان پیشین ما، در رشته‌های مختلف علوم و فنون بزبان عربی یا پارسی باقیمانده و یا تراجمی که از زبانهای یونانی و سریانی و هندی و غیره بعربی و یا از عربی بپارسی گزارده‌اند و امروز مایه تفاخر ما در جهانست، همه از لحاظ ادبی در حد اعلای فصاحت و بلاغت است و من پیش ازاین، در شماره‌های سابق، نمودارهایی از اینگونه نثرهای علمی و فنی فصیح و بلیغ آورده‌ام.

چاپخانه

سازمان ترجمه کشور، باید چاپخانه‌ای مجهز و کامل در اختیار داشته باشد تا در عمل معطل و لنگ نماند و بتواند، بانظم و ترتیب و بی تأخیر و تعویب، ترجمه‌ها را پیاپی بچاپ رساند

و عرضه بدارد. کسانی که با طبع کتاب سروکار دارند خوب میدانند که وضع چاپخانه‌های موجود بهیچوجه رضایت‌بخش نیست. چند چاپخانه بزرگ و معظم باندازه‌ای کار و مرجوع دارد که با سانی کار قبول نمیکنند و اگر هم بپذیرد نمیتواند بوعده وفا کند و موقوع کتاب را تحویل دهد. چاپخانه‌های کوچک و سوسامان درست ندارد و کتاب بچاپ رساندن در آنها نوعی جان‌کندن است. از اینها گذشته، اغلب چاپخانه‌ها حروف مخصوص معرب و فورمول‌های ریاضی و فیزیک و شیمی و طراح و خصوصیات دیگر، که برای طبع کتابهای علمی و فنی و تخصصی در بایست است، در اختیار ندارد و نمیتواند منظور نظر ترجمانان دقیق را فراهم آورد. از اینرو وجود یک چاپخانه کامل که از این نواقص و کمبودها مبرا و کارش بچاپ و تجلید کتابهای سازمان ترجمه منحصر باشد، یکی از شرائط توفیق در کار است که نباید هیچگاه از نظر دور داشت.

دستگاه توزیع و نشر:

اگر توزیع و نشر کتابهای ترجمه شده سازمان ترجمه برعهده خود سازمان باشد و بوسیله دستگاهی منظم و مجهز انجام گیرد، یکی دیگر از شرائط توفیق فراهم آمده است. زیرا کتابهای چاپ شده، بابهای ثابت و در سراسر کشور توزیع میشود و بفروش میرسد و دست واسطه‌ها و هزاران فعل و انفعال نابجا و ناروا از میان میرود.

تنها مشکل کار:

این بود اصل طرح و پیشنهاد که در چند شماره نامه تحقیقی گوهر عرضه شد. تنها مشکل این کار که در بادی نظر بچشم میخورد و در سرفه مقاله شماره‌های دوم و پنجم مجله گوهر نیز بر آن اشارت رفت فقدان و یا کمبود مقداری لغت و اصطلاح علمی و فنی و تخصصی است که آنها هم مسأله‌ای غیر قابل حل نیست و ما در باب وضع این واژه‌ها، و یا یافتن معادل آنها پیاری، نظراتی داریم که خود موضوع یک مقاله مستقل و جداگانه است و انشاء الله در شماره‌های آینده، در آن زمینه، بحث خواهیم کرد.

خلاصه‌ای از آنچه در چند شماره نوشته شد:

در اینجا پیشنهاد ما پایان میرسد و امیدواریم جان مطلب، آنگونه که باید و شاید، پرونده و بنگارش در آمده باشد. چون بحث در پیرامون این پیشنهاد، در چند شماره نامه تحقیقی گوهر، بچاپ رسید، دور نیست رشته سخن از دست خواننده بدر رفته باشد. بنا بر این بسیار بجاست خلاصه‌ای از آنچه تا کنون نوشته شده است، در پایان مقاله، طی چند سطر، بیاید:

امروز شرائط و وسائل همه‌گونه ترقی و تعالی در کشور وجود دارد و بطور کلی مقتضیات

موجود و موانع مفقود شده است و در همه شئون ملك و ملت، آثار نهضت و پیشرفت بچشم می‌خورد. بنابراین ایران بسوی آینده‌ای تابناك و افق روشن پیش می‌رود و ملت بدروازه «تمدن بزرگ» که مقصد غسائی و سرمنزل نهائی این جوش و خروش و جنبش و کوشش است نزدیک می‌شود ولی حصول باین مقصود و وصول باین مطلوب، بی ایجاد «نهضت فرهنگی کامل العیار و جامع الاطراف» مقدور نخواهد بود و پیدایش این «نهضت فرهنگی» بی پیداشدن «نهضت عالی ترجمه» تحقق نخواهد یافت. بدین معنی که باید، همانگونه که شواهد تاریخی نشان می‌دهد و هم اکنون نیز در بعضی کشورهای دیگر جهان معمول و متداول است، در کشور دستگاهی مجهز و مکمل وجود داشته باشد که همه کتابها و رسالات و مقالاتی را که در رشته‌های متنوع و مختلف معارف بشری، بالخصوص علوم و فنون، بزبانهای مختلف، در جهان نوشته و طبع و نشر می‌شود، بزبان پارسی ترجمه کند و در دسترس همگان قرار دهد. بکار انداختن این دستگاه عظیم و مجهز ترجمه را از بخش‌های خصوصی نمیتوان انتظار داشت زیرا سرمایه مالی و انسانی و اداری در خور این کار مهمل را ندارد. بنابراین باید، بطور قطع، دولت، از بودجه کشور، و یا سازمان برنامه، از درآمد نفت، همساله، مبلغی هنگفت، برای اجرای این پیشنهاد و طرح، منظور دارد و دستگاهی مستقل، «بنام سازمان ترجمه کشور»، بسا استقلال کامل مالی و اداری که طبق قانون مصوب مجلسین مسجل و منجز شده باشد، ایجاد شود و گروهی ترجمانان «واجد شرایط»، در همه رشته‌ها، «بطور تمام وقت»، استخدام کند و بکار بگمارد و چاپخانه‌ای مجهز نیز در دسترس آن سازمان قرار گیرد و ترجمانان بترجمه کتب بفارسی، به ترتیب الایم فالایم، شروع کنند و کار را از ترجمه رشته‌های مختلف علوم و فنون یا آغازند. نتیجه کار این سازمان ترجمه کشور، پس از دهسال کار منظم و مستمر بطور قطع و یقین، زمینه «نهضت عالی فرهنگی» را که منظور نظر است پدید خواهد آورد و بسا پدید آمدن این نهضت، راه بسوی «دروازه‌های تمدن بزرگ» گشوده خواهد گشت.

تنها سخنی که باقی میماند این است که این کار مهم را چه کسی، یا چه دستگاهی از دولت، باید کفایت کند و مسؤلیت آنرا بپذیرد و گام نخستین را بردارد؟ مگره این مشکل اینجاست!

دبیر کل بنیاد - دکتر نصره الله کاسمی

رامسر . آذر ۱۳۵۲

دبیر کل بنیاد